خبر در خبر

مهر **نگرانی از توسعه شتابزده بافت تاریخی شیراز /** امید غنمی، حقوقدان و کارشناس میراث فرهنگی گفت: متأسفانه فقط بافت تاریخی شیراز است که در توسعه عجله دارد. این عجله کردن در توسعه بافت تاریخی موجب می‌شود تا کارها به‌درستی پیش نرود.

مهر **افتتاح ۳ طرح گردشگری در سفر رئیس‌جمهوری به خوزستان /** محمد جوروند، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان اعلام کرد، در سفر رئیس‌جمهوری و وزیر میراث‌فرهنگی به این استان، سه طرح تأسیسات گردشگری به بهره‌برداری خواهد رسید.

سازمان حفاظت محیط‌زیست **سفر رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست به امارات /** با دعوت رسمی شیخ منصور بن زائد آل نهیان نایب‌رئیس دولت امارات متحده عربی، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست برای سفری دو روزه به امارات می‌رود.

ایسنا **لزوم تدوین قانونی برای استفاده از تصاویر ماهواره‌ای در پایش آلودگی هوا /** احمد طاهری، رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به مزایای بهره‌گیری از تصاویر ماهواره‌ای در زمینه بررسی آلودگی هوا، بر لزوم تدوین قانونی در مجلس برای استفاده از این تصاویر به منظور پایش آلودگی هوا تأکید کرد.

ایسنا **شورای حفظ حقوق بیت‌المال می‌تواند محل هزینه‌کرد عوارض آلایندگی را پیگیری کند /** احمد لاهیجان‌زاده، معاون محیط‌زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت: شورای حفظ حقوق بیت المال بویژه در استان‌ها می‌تواند هزینه‌کرد عوارض آلایندگی را پیگیری کند.

ایرنا **پیشنهاد راه‌اندازی موزه در مدارس کشور /** علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش با طرح پیشنهاد راه‌اندازی موزه در مدارس کشور گفت: هویت یک جامعه را میراث فرهنگی می‌سازد و موضوعات میراث فرهنگی اساسی‌ترین نقش را در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن آن کشور دارد.

ایسنا **عوارض آلایندگی خرج محیط‌زیست نمی‌شود /** امید حاجتی، معاون توسعه مدیریت، حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت: متأسفانه عوارض آلایندگی دریافت و در بخش‌هایی هزینه می‌شود که بعضاً هیچ ارتباطی به مسائل و معضلات محیط زیستی ندارد.

میراث آریا **سند ملی میراث فرهنگی تصویب می شود /** علی دارابی، معاون میراث فرهنگی کشور از تصویب سند ملی میراث فرهنگی به زودی خبر داد و گفت: متعاقب آن، سند ملی موزه‌داری با مشارکت ۲۷ یا ۲۸ نهاد به امضا می‌رسد.

در نشست «شب هیرکانی» با حضور کارشناسان منابع طبیعی اعلام شد

هشدار نابودی بازمانده عصر یخبندان

در مراسم خانه اندیشمندان از تلاش‌های خبرنگار حوزه محیط زیست روزنامه ایران قدردانی شد

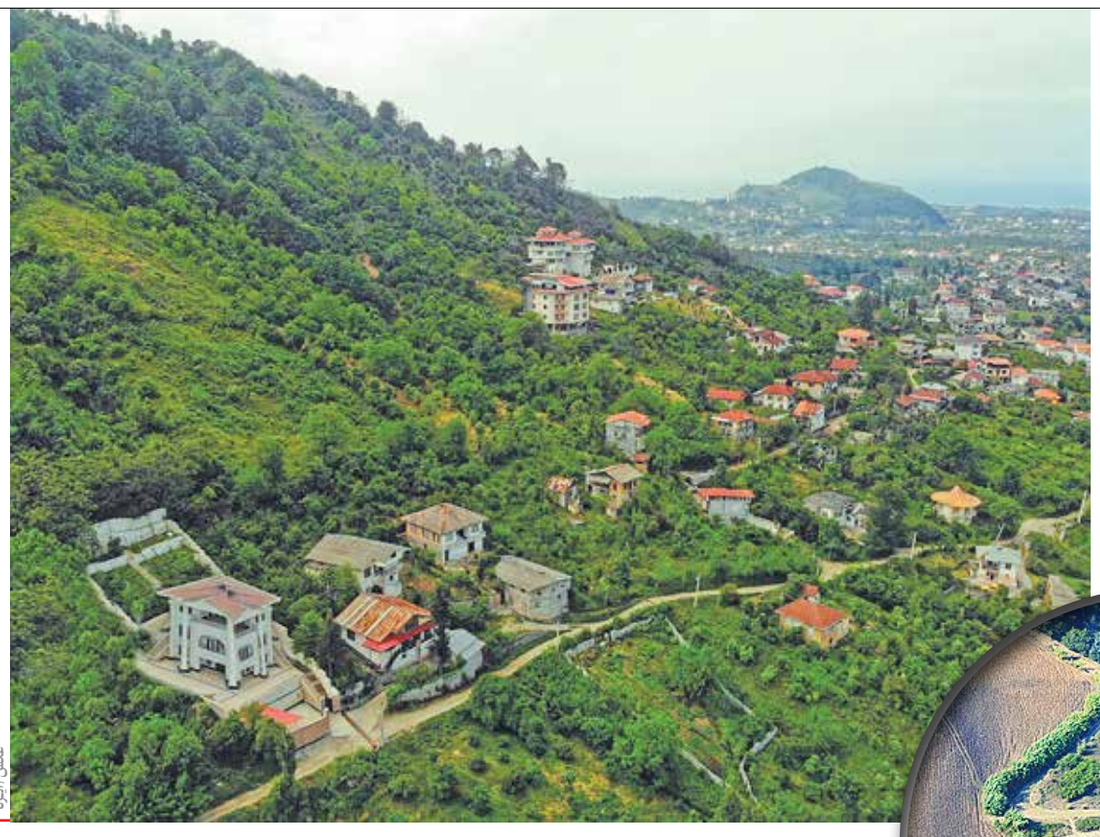

عکس/ایرنا

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست‌بوم

شب جنگل‌های هیرکانی تاریک نبود، ترسناک بود. مثل کابوسی که صبح به محض چشم باز کردن باید خدا خدا کنی تا تعبیر نشود. شب هیرکانی تاریک نبود. هنوز راه نجاتی برای آن وجود داشت. نشست «شب هیرکانی» که ۳۰ دی ماه به دعوت مجله «بخارا» به مدیریت علی دهباشی و فصلنامه طبیعت و محیط زیست «صنور» برگزار شد، اما ترسناک بود. آنجا که باریس مجنونیان، استاد دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی تهران، گفت: هنوز نوار باریک سبز شمال ایران به هم پیوسته است و در اثر توسعه انسانی پیوستگی خود را از دست نداده است اما... امای پر از حسرت و نگرانی را «حسین آقایی» فعال محیط زیست که افسر نیروی دریایی است و از جنوب به گیلان آمده و تشکل مردم‌نهاد حافظان هیرکانی را تشکیل داده بود، تکرار کرد. مجنونیان و آقایی آن امای سخت را گفتند، لخت و عور جلوی چشم همه گذاشتند، همه فرو رفتند توی صندلی‌ها. جوری که انگار همان موقع چند تبر به شمشادهای وجودشان و چند بلدوزر به راشستان‌های جانشان شبیخون زده باشد. آقایی گفت: اگر تغییر کاربری‌ها، شمشادکشی‌ها و قطع افراها ادامه پیدا کند جنگل‌های هیرکانی که «عصر یخبندان» در ۱۶ هزار سال پیش، به گرد پایشان نرسید تا تنها بازمانده جنگل‌های هیرکانی اروپا و امریکا باشد، جزیره جزیره می‌شوند. آنها مثل پزشکی که قرار است خبر بدی به همه بدهد بالای سر هیرکانی ایستاده بودند. کابوس واقعی است؛ وقتی گفت آنگاه باید به دنبال لکه‌های باقی‌مانده از هیرکانی در استان‌های مازندران، گیلان و گلستان جدا جدا گشت؛ روز تلخی که دیگر هیرکانی گیلان را به مازندران و مازندران را به گلستان پیوند نمی‌زند.

کاش این کابوس تعبیر نشود

شب هیرکانی، اولین کابوس نبود اما آخرین کابوس است، ولی کاش اولین کابوسی باشد که به واقعیت نمی‌پیوندد که تعبیر نمی‌شود. اولین کابوس آن بخش‌های پایینی جنگل‌های هیرکانی بود که با گسترش شهرها برای همیشه از بین رفته است که الان هیچ جایی در نقشه‌های جدید ندارد. کابوس آن بخش‌های بالایی این نوار سبز باریک است که کمی از آن مانده، که ویلا شده است تا جایی باشد برای تفرج و تفریح در جنگل‌هایی که مزاحم ساخت و سازند!

به دنبال رگ سبز حیات

مجنونیان مثل پرستاری دنبال رگ حیات سرزمینی در شمال کشور می‌گردد و رگ هی سماجت می‌کند و پیدا نمی‌شود. او آنقدر نبض سرزمین را می‌گیرد تا می‌رسد به نیمرخ شمالی البرز. رگ آن باریکه سبز اما پیدا نمی‌شود. جایی که به گفته مجنونیان، جنگل‌های بلوط شمشادستان بود و در یک قرن گذشته نیست و نابود شد و از آن میان حسرتی ماند برای ابد، بویژه در رشت. که دیگر از آن بلوط شمشادستان‌ها، چیزی نماند جز چند لکه کوچک مثل جنگل سی‌سنگان. او روی آن نقشه که در یک‌سو البرز می‌شود و از سوی دیگر کاسپین (خزر)، رگ سبز حیات شمال ایران را می‌جورد تا می‌رسد به جامعه قدرتمند رویشگاه بلوط ممرزستان که انجیلی‌های قرمز و ممرزهای زرد را بر پای خزر کشیده است. بعد انگشت را می‌کشد روی راشستان و راشستان را آنقدر ادامه می‌دهد تا می‌رسد به جنگل‌های کوهستانی. مثل پزشکی که نگران حال بیمار است تأکید می‌کند که این جنگل‌ها گونه‌های مهمی از نظر حفاظتی هستند. جایی که بیشترین فشار توسعه‌ای را تحمل کرده‌اند. جایی که وضع هیرکانی بدخیم است. جایی که متاستاز کرده و از سر و کول هیرکانی غده‌های چرکین ویلاسازی و ساخت‌وساز زده است بیرون. شب هیرکانی ترسناک بود وقتی مجنونیان آن خبر تلخ را داد. که بلوط بلندمازوها هم مثل بلوط شمشادستان‌ها در یک قرن گذشته از بین رفته‌اند، مگر پایه‌هایی از آن خوش‌قدوقامت‌ها که از چشم تبرها و بلدوزرها دور مانده‌اند. نبض درختان بلوط ممرز زرد و نارنجی را می‌گیرد و می‌گوید: «تخریب یافته.» آن هم جنگل‌هایی که قدمت آنها را بین ۲۵ تا ۵۰ میلیون سال تخمین می‌زنند. از دوره سوم زمین‌شناسی همه حوادث تاریخی، جوی، زمین‌شناسی و فیزیکی را پشت سرگذاشته‌اند تا بیایند و قربانی یک ویلا و جاده‌هایی شوند که صاحبان ویلاها را به ویلا می‌رسانند. زیر چرخ جاده‌سازی برای همیشه دفن شوند آن هم در نقطه‌ای از ایران که روی خاکش، هر دانه را به دستش بدهی، بی‌تیمار و پرستاری، بوته‌ای، درختچه‌ای و درختی را به تو پس می‌دهد. مجنونیان مثل پزشکی که مجبور است پای بیمارش را قطع کند که زنده بماند، توسعه را رد نمی‌کند اما می‌گوید درخت قطع نکنید و جاده بسازید. جاده را روی مسیرهایی که پیچ‌وخم‌های طبیعی جنگل است، که خالی از درخت است سوار کنید.

شب جنگلبانان هیرکانی

شب هیرکانی به کیومرث سفیدی، عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی که می‌رسد تاریک می‌شود، هولناک می‌شود؛ ته ظلمت. آنجا که بالاتر از سیاهی رنگی نیست. جایی که قاچاقچیان چوب سر «ناصر پیروی» رئیس منابع طبیعی را با تیغ موکت‌بری بریدند. شبی که ۱۱ نفر مسلحانه ریختند توی خانه «رشید غفاری» محیطبان و او را در بغل دختر کوچکش به رگبار بستند؛ تاریک‌ترین شب تالش را برای همیشه رقم زدند و از دست قانون قسر در رفتند. کیومرث سفیدی بگوید باید شب جنگلبانان هیرکانی را هم گرفت تا نگهبان‌های هیرکانی بدانند کسانی وسط این شهر شلوغ آنها را هنوز فراموش نکرده‌اند. همان جنگلبانانی که نگهبان درخت ممنوع قطع «زربین» شدند و قاچاقچی‌ها به جای «زربین» دستشان را قطع کرده‌اند. زربینی که به گفته سفیدی معرف دوران گرم‌تر زمین است. حالا پناه برده به کوه‌ها به جایی‌هایی که سنگلاخی هستند؛ مثلاً در همین حسن‌آباد چالوس. از دوره سوم زمین‌شناسی به شبی که انسان دو پا، توی جغرافیای خودمان برود و آن را قطع‌اش کند. آن هم در زمانی که اروپا چشمشان دنبال «زربین» است. تغییر اقلیم کار دست دنیا داده است. به گفته سفیدی، اروپایی‌ها فکر می‌کنند اگر درخت زربین را ببرند و در خاک اروپا بعد از جنگ‌های جهانی - که هیرکانی برای همیشه در آنجا خط خورد- بکارند، می‌توانند با گرمایش زمین مقابله کنند. در اروپا فسیل سه هزار ساله درختان انجیلی را پیدا کردند تا نام دیگر هیرکانی که ۹۸ درصدش در ایران است و ۲ درصد باقی مانده‌اش در جمهوری آذربایجان، «فسیل زنده» باشد. در این ۹۸ درصد آنقدر طرح‌های غیر کارشناسی اجرا کردند، سد ساختند که گونه گیاهی انجیلی‌ها، تابستان ۱۴۰۱ دچار پاییز زودرس شدند اما نه آن پاییز همیشگی که از سر و کول هیرکانی رنگ می‌ریخت و کف جنگل، زرد و قرمز و نارنجی و قهوه‌ای و بنفش می‌شد. یکسره قهوه‌ای شدند. کارشناسان جنگل هم زنگ انقراض انجیلی‌ها را به صدا درآوردند تا ماحصل پیوند جوی البرز و خزر هر روز وسعت کم کند در شمال کشور. سفیدی می‌گوید: عصر یخبندان در ۱۶ هزار سال پیش به گرد پای هیرکانی نرسید اما اگر هم می‌رسید، البرز و خزر نمی‌گذاشتند خم به ابرو بیاورد. حالا اما سفیدی دارد از مرگ گسترده راش‌ها و شمشادها خبر می‌دهد و کاری از خزر و البرز هم در مقابل توسعه بی‌رویه، چرای دام گسترده، تغییر کاربری لجام گسیخته و ... برنمی‌آید. از کارشناسان هم کاری برای احیای شمشاد برنیامد. به گفته سفیدی، کارشناسان آمدند تلاش کردند اما نتوانستند شمشاد را احیا کنند. ولی شواهد نشان می‌دهد اگر جنگل را به حال خودش بگذارند و قاچاقچی‌ها اسلحه‌هایشان را که شبانه خانه‌های جنگلبانان را هدف می‌گیرد غلاف کنند، جنگل می‌تواند شمشاد را برگرداند به جغرافیای خودش اما حیف و صد حیف که کاشت درخت کیوی درآمد بیشتری دارد تا نگه‌داشت شمشادها.

> در اروپا فسیل سه هزار ساله درختان انجیلی را پیدا کردند تا نام دیگر هیرکانی که ۹۸ درصدش در ایران است و ۲ درصد باقی مانده‌اش در جمهوری آذربایجان، «فسیل زنده» باشد. در این ۹۸ درصد آنقدر طرح‌های غیر کارشناسی اجرا کردند، سد ساختند که انجیلی ها تابستان ۱۴۰۱ دچار پاییز زودرس شدند

موزه تاریخ طبیعی

حمیدرضا رضایی، استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان هم حاضران شب هیرکانی را می‌برد به زندگی جانوری جنگل؛ آنجا که کمتر کسی می‌داند لابه‌لای برگ‌های خشک شده هیرکانی و پوشش گیاهی آن، هزاران گونه موجود زنده زندگی می‌کنند؛ زندگی‌ای که ماحصل همنشینی و تأثیر کاسپین (خزر) بر البرز است. بعد رضایی بگوید: «شاید بتوان گفت بیشترین تعداد میکروارگانیسم را در این جنگل‌ها داریم که باعث پایداری اکوسیستم می‌شوند.» آن وقت آن زنگ لعنتی هشدار را به صدا درآورد که میکروارگانیسم‌ها را داریم از دست می‌دهیم، قبل از آنکه آنها را بشناسیم. سپس از تنوع پستانداران هیرکانی بگوید که به اندازه اروپاست و متأسفانه بسیاری از گونه‌های آن بر اثر تغییر کاربری سرزمین، شکار، بهره‌برداری و تعارض جمعیت انسانی آسیب دیده و جمعیت‌شان بسیار کاهش پیدا کرده است و بگوید: «یکی از گروه‌های بسیار باارزش جنگل‌های هیرکانی، پستانداران گوشتخوارند که ارزش حفاظتی بسیار بالایی دارند اما ما اهمیتی به آنها نمی‌دهیم. پلنگ، شکوه هیرکانی است که سدسازی‌ها، ماهی‌های رودخانه‌ای را کم کرده و «شنگ»های هیرکانی بی‌ماهی مانده‌اند.» تأکید کند که سمورسانان چقدر برای هیرکانی مفیدند اما سدسازی، پرونده زندگی آنها را هم وارد بحران کرده است که دیگر ماهی‌ای به اندازه، برای خوردن پیدا نمی‌کنند. بگوید، خرس هیرکانی هم رو به زوال است. مرال و شوکا هم به عنوان گوزن ایرانی، آخرین بازمانده عصر یخبندان هستند؛ که گرازها هم از دست توسعه انسانی، جمعیت کم کرده‌اند.

نجات جنگل ابر

حنیف‌رضا گلزار، نویسنده کتاب «قُرق شکسته»، نور می‌اندازد به شب هیرکانی و همه را می‌برد به سال ۱۳۸۲ که نمایندگان وقت استان خواب بدی را برای جنگل‌های «ابر» دیده بودند که می‌خواستند جاده‌ای بکشند در جنگل‌های مه‌آلود ابر که جلوی هر ویلا یک توقف کشدار داشته باشند. سه مصوبه دولتی در سفرهای استانی رئیس‌جمهوری برای آن گرفته بودند که فعالان مدنی آنقدر پای جنگل ابر ماندند تا ۱۱ سال بعد جنگل‌های ابر در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۳ به منطقه حفاظت شده تبدیل شد. حالا گلزار می‌گوید ۱۰ سال از آن روزی که کنشگران برای همیشه پرونده تخریب جنگل ابر را بستند، می‌گذرد.

آن پرنده‌های کوچک

شب هیرکانی را آن پرنده‌های کوچک دلنگران رقم زدند؛ آنها که در صندلی‌هایشان فرو رفته بودند، وقتی «حسین آقایی» فعال محیط‌زیست و افسر نیروی دریایی گفت، خط سبز باریک هیرکانی را از پایین‌دست شهرسازی‌ها تخریب کرد و از بالادست، چرای بی‌رویه. هم او که خودش بچه‌چوپان است و شاکی از «مفت چری» در هیرکانی. او که صدِ هیرکانی را آن درختان تنومند توسکایی می‌داند که پلنگ و شوکا با فراغ بال زیر آن قدم می‌زنند. به صفر هیرکانی که می‌رسد از طرح‌های جنگل‌داری به پروژه‌هایی اشاره می‌کند که قرار است یک تپه سوخته را تحویل فعالان بدهد. می گوید اگر به شهرکشی و مفت چری ادامه بدهیم هیرکانی تبدیل می‌شود به جزیره‌ای در گلستان، به جزیره کوچکی در مازندران و به جزیره کوچک‌تری در گیلان. بعد داستان را می‌برد به آن پرنده کوچکی که مدام به دل آتش جنگل می‌زند و می‌رود و می‌آید. پرنده‌ای که چشمه کوچکی را یافته است و به وسع منقارش آب روی آتش هیرکانی می‌ریزد. بعد «آقایی» انگشتش را نشانه می‌گیرد سمت جمعیتی که در صندلی‌ها فرو رفته‌اند و در دلشان خداخدا می‌کنند که کابوس هیرکانی تعبیر نشود و می‌گوید: ما همان پرنده‌های کوچکی هستیم که به اندازه وسعمان برای ماندن هیرکانی تلاش می‌کنیم. در شبی که یاد ریحانه سادات یاسینی و مهشاد کریمی، دو خبرنگار جانباخته اتوبوس خبرنگاران از سوی مانیا شفاهی، سردبیر فصلنامه صنور، بغض جمع را شکست و یاد «محمدعلی اینانلو» آه از نهاد حاضران برآورد. در شب هیرکانی که با قدردانی از اسدالله افلاکی، الهه موسوی، مژگان جمشیدی، فاطمه باباخانی، زینب رحیمی و زهرا کشوری خبرنگاران حوزه محیط‌زیست پایان یافت.

حمید رحمانی، مقام مسئول در وزارت نیرو در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرد

کاهش آب کشاورزی راهکار جلوگیری از فرونشست

زیست بوم / وزارت نیرو راهکار جلوگیری از گسترش فرونشست در کشور را کاهش آب مصرفی کشاورزی می‌داند. براساس آمارهای سازمان نقشه برداری ۱۱ درصد کشور را فرونشست تهدید می‌کند. این فرونشست بیش از هر چیزی سکونتگاه‌های انسانی و زیرساخت‌هایی چون سدها، فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های جاده‌ای مثل راه‌آهن را تهدید می‌کند.

حمید رحمانی، معاون دفتر توسعه نظام‌های فنی - بهره‌برداری و دیسپاچینگ برقابی در گفت‌وگو با «ایران» و در پاسخ به شکل‌گیری فرونشست در ایران و اینکه به چه عواملی بستگی دارد و راه جلوگیری از این پدیده چیست، می‌گوید: موضوع فرونشست به عنوان یکی از بحران‌های جدی محیط‌زیستی در ایران مطرح بوده و وخامت روزافزون این بحران، نگرانی‌های جدی به وجود آورده است. عامل اصلی شکل‌گیری این رخداد در ایران، برداشت بی‌رویه از آبخوان‌هاست که سبب افت سطح آب زیرزمینی و به دنبال آن فرونشست زمین می‌شود.

با توجه به این موضوع، مهم‌ترین روش برای مقابله با فرونشست زمین، کنترل برداشت آب زیرزمینی از آبخوان‌ها و جلوگیری از افت سطح آب زیرزمینی است. بیشترین سهم برداشت از منابع آب زیرزمینی کشور- نزدیک به ۸۷ درصد- مربوط به بخش کشاورزی است و سهم برداشت برای مصارف شرب و صنعت نیز در مجموع ۱۳درصد است. به این ترتیب برای کنترل افت سطح آب زیرزمینی و جلوگیری از رخداد فرونشست، کنترل برداشت آب زیرزمینی توسط بخش کشاورزی (به عنوان مهم‌ترین برداشت‌کننده از منابع آب زیرزمینی) از اهمیت اساسی برخوردار است. میزان فعلی آب مصرفی کشاورزی در کشور حدود ۸۱ میلیارد مترمکعب است که بر اساس برنامه ۵ ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، این مقدار در پایان برنامه هفتم باید به حدود ۶۵ میلیارد مترمکعب در سال کاهش یابد که بخش عمده این صرفه‌جویی باید از طریق کاهش برداشت آب زیرزمینی برای مصرف کشاورزی حاصل شود. بدیهی است که با این کاهش برداشت ۱۶ میلیارد مترمکعبی برای مصرف کشاورزی، گامی اساسی در متوقف کردن روند افت آب زیرزمینی و به تبع آن، کاهش و کنترل فرونشست در کشور برداشته خواهد شد.

> میزان فعلی آب مصرفی کشاورزی در کشور حدود ۸۱ میلیارد مترمکعب است که بر اساس برنامه ۵ ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران این مقدار در پایان برنامه هفتم باید به حدود ۶۵ میلیارد مترمکعب در سال کاهش یابد

رحمانی در پاسخ به این سؤال که عوامل مؤثر در دستیابی به این کاهش چیست هم می‌گوید: راه رسیدن به این کاهش برداشت، مستلزم همکاری همه دستگاه‌های ذیربط به خصوص وزارت جهاد کشاورزی و نیز آحاد جامعه به‌ویژه جامعه محترم کشاورزان است. در این زمینه، توجه به موضوعاتی نظیر افزایش راندمان مصرف آب کشاورزی و نیز ایجاد اشتغال برای کشاورزانی که منابع آب خود را از دست داده‌اند، از اهمیت فراوان برخوردار است.

رحمانی در پاسخ به این پرسش که برنامه‌های وزارت نیرو برای کنترل و مدیریت برداشت آب از منابع زیرزمینی چه بوده است هم می‌گوید: وزارت نیرو در قالب طرح احیا و تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی (مصوب سال ۱۳۹۳شورای عالی آب) و نیز به عنوان یکی از دستگاه‌های عضو کارگروه ملی سازگاری با کم آبی (مصوب هیأت وزیران)، برنامه‌های متعددی را در خصوص کنترل و مدیریت برداشت از منابع آب زیرزمینی انجام داده که از جمله مهم‌ترین این برنامه‌ها می‌توان به پرکردن چاه‌های غیرمجاز، نصب کنتور هوشمند حجمی روی چاه‌های مجاز، تشکیل و تجهیز گروه‌های حفاظت و نظارت منابع آب و نیز اصلاح و تعدیل پروانه بهره‌برداری چاه‌های مجاز اشاره کرد. در این زمینه، تاکنون حدود ۱۳۵ هزار حلقه چاه غیرمجاز، پر و مسلوب المنفعه شده که باعث جلوگیری از برداشت غیرمجاز سالانه ۳/۳ میلیارد مترمکعب آب زیرزمینی می‌شود. همچنین نصب کنتور هوشمند حجمی روی حدود ۱۰۰هزار حلقه چاه مجاز کشاورزی نیز تاکنون باعث جلوگیری از اضافه برداشت حدود ۰/۸ میلیارد متر مکعب آب زیرزمینی شده است.

بدیهی است که در صورت همراهی مردم و همکاری دستگاه‌های حاکمیتی با برنامه‌های وزارت نیرو در طرح احیا و تعادل‌بخشی آب‌های زیرزمینی، امکان کنترل افت سطح آب زیرزمینی و تعادل‌بخشی اکثر آبخوان‌های کشور تا پایان برنامه هفتم پیشرفت وجود خواهد داشت که این مسأله، نقشی کلیدی در کنترل فرونشست در دشت‌های کشور ایفا می‌کند.